

مسعود ربانی

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس

بررسی قلمرو دفاع مشروع از مال در حقوق جزای اسلامی

چکیده

در حقوق جزای اسلامی دفاع از مال، مشروعیت دارد. مال همانند جان و عرض انسان دارای اهمیت و در قرآن کریم برای تعرض علیه مال، حد تعیین شده است. در بحث دفاع از مال، دلیل‌های بسیاری درباره‌ی وجوب، جواز یا حرمت دفاع وجود دارد. فقیهان معتقدند برای جلوگیری از تجاوز به اموال، شخص اجازه دارد تا در حدود مقرر و مشروع از حقوق و اموال خود دفاع کند و متجاوز را براند، هر چند مدافع از قتل نفس خود بترسد دفاع از مال خود به خود جایز است و آنچه باعث واجب بودن یا حرام بودن دفاع می‌شود حالتی است که بر مدافع و مال عارض می‌شود.

واژگان کلیدی: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مال، مدافع، مشروع، حق دفاع، دفاع مشروع

پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

«و اگر خدا بعضی از مردم را به وسیله‌ی برخی دیگر نمی‌راند، بی‌گمان زمین تباہ می‌شد، ولی خداوند به جهانیان نظر کرم دارد.»^۱

خداوند متعال با فرستادن پیامبران و کتاب‌ها و قوانین، در پی حفظ نفوس و نگهداری اموال و ناموس بشری بوده و برای فرونشاندن لهیب آتش خواهش و شهوات حیوانی بشر، حفظ عزت و احترام به حرمت انسانی و تحکیم حقوق افراد جامعه حق دفاع را که بدیهی‌ترین و طبیعی‌ترین حق حیات انسانی است به او ارزانی داشت تا با تمسک به آن هرچو مرج و فساد از زندگی اجتماعی بشر محو و یا کنترل شود. احکامی همچون حدود، قصاص، دیات و تعزیرات برای حفظ مصالح عمومی وضع شده است و برای رسیدن این هدف بزرگ، شارع مقدس، در جایی که امکان دسترسی به محاکم وجود نداشته باشد، شخص را مجاز به دفاع مشروع، اعم از دین، نفس، عقل، ناموس و مال کرده است.

یکی از مواردی که در حقوق جزای اسلامی، حکم به مشروعیت دفاع از آن شده، دفاع از مال است و دلیل‌های بسیاری درباره‌ی جواز دفاع از مال وجود دارد که بر طبق آن‌ها فقیهان اسلامی حکم به جواز و یا وجوب دفاع از مال داده‌اند.

مفهوم مال و انواع آن

مال در اصل از مصدر میل به معنی خواستن می‌باشد و در اصطلاح حقوقی، مال به چیزی گفته می‌شود که بتواند مورد داد و ستد قرار گیرد و از نظر اقتصادی ارزش مبادله را داشته باشد. (حقوق مدنی، ۱/۲۶) فقیهان اسلامی نیز در کتاب‌های فقهی خود تعاریف متفاوتی را ارائه داده‌اند از جمله: سیدمحمدکاظم طباطبایی در حاشیه بر مکاسب می‌آورد: هر عینی که تحت سلطنت شخص خاصی باشد به گونه‌ای که دیگری را بر آن حق دخالتی نباشد، آن مال است. (ص ۱۳)

۱- لولا دفع الله الناس بعضهم ببعض لفسدت الارض و لكن الله ذو فضل علی العالمین (بقره/ ۲۵۱).

شاطبی از فقهای عامه می‌نویسد: مال آن است که مورد تملک کسی قرار گرفته باشد. (رک، جعفری لنگرودی، حقوق اموال، ص ۳۷) و از نظر حقوقی، مال به چیزی می‌گویند که دارای دو شرط اساسی باشد:

- ۱- مفید باشد و نیازی را برآورد، خواه آن نیاز مادی باشد یا معنوی
- ۲- قابل اختصاص یافتن به شخص یا ملت معین باشد. اشیائی مانند دریاها، آزاد و خورشید، از ضروری‌ترین نیازهای زندگی‌اند؛ ولی چون هیچ‌کس نمی‌تواند ادعای مالکیت انحصاری آن‌ها را داشته باشد، مال محسوب نمی‌شود. (دفاع مشروع در حقوق جزای ایران، ص ۸۹)

مال، همانند جان و عرض انسان دارای اهمیت می‌باشد و باید به آن احترام گذاشته شود، در اهمیت مال همین بس که مقنن دفاع از آن را جایز دانسته است. در قرآن کریم از مال به عنوان زینت دنیا یاد شده^۱ و برای تعرض علیه مال (یعنی جرم سرقت) حد معین شده است.^۲

در گذشته واژه‌ی مال ویژه‌ی کالای مادی بود ولی پیشرفت‌های زندگی کنونی به تدریج آن‌را از این معنای محدود و ابتدایی خارج ساخته است به‌گونه‌ای که امروز به عناصر گوناگونی دارایی مانند: زمین و اموال و مطالبات و حقوق مالی و حتی حق تألیف و اختراع و سرقتی نیز مال گفته می‌شود. (کاتوزیان، اموال و مالکیت، ص ۹ و ۱۰)

اموال به اقسام زیر تقسیم می‌شود:

- ۱- اموال مادی و اموال غیرمادی؛ اموال مادی اموالی هستند که می‌توان آن‌ها را لمس کرده مانند: میز، صندلی، خانه، اموال غیرمادی اموالی هستند که وجود مادی در خارج ندارند بلکه وجودشان اعتباری است، مانند: حق تألیف و حق اختراع.
- ۲- اموال مثلی و قیمی؛ مالی را که اجزایش از حیث قیمت به نسبت مساوی باشند، مانند گندم و حبوبات مثلی گویند و قیمتی چنین نیست مانند فرش و گوسفند که چنین تناسبی در اجزای آن مشهود نیست. (مکاسب، ۱/۱۷۶)

۱- (... المال و البنون زينة الحیوة الدنیا) كهف (۱۸) آیه ۴۶.

۲- (والسارق و السارقه فاقطعوا ایدیهمما جزاء بما ...) مائده (۵) آیه ۳۸.

- ۳- اعیان و منافع؛ اعیان، اموالی است که در خارج موجود است و می‌توان آن‌ها را لمس کرد، مانند: خانه و باغ و ... و منافع چیزی که از اعیان استفاده و به تدریج حاصل می‌گردد، مانند: نمائات و ثمره و نتایج حیوانات.
- ۴- اموالی که با انتفاع از آن عین باقی می‌ماند، مانند کفش، لباس و اموالی که با انتفاع از آن عین باقی نمی‌ماند، مانند: خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها.
- ۵- اموال منقول و غیرمنقول.

بررسی شرایط مربوط به دفاع از مال

۱- جواز دفاع

- ابتدا به شرایطی اشاره می‌شود که در اصل دفاع از مال و مشروعیت دفاع، رعایت آن لازم و ضروری است:
- الف- تحقق خطر نامشروع: فقیهان اسلامی از غیرمشروع بودن تهدید و خطر تعبیر مختلفی دارند، عده‌ای از آن‌ها همانند امام خمینی (تحریرالوسیله، ۱/۴۰۷) از آن به هجوم از روی ظلم نام برده‌اند.
 - ب- نزدیک بودن خطر: یعنی برحسب قرائن علمی و ظنی وقوع آن نزدیک باشد. در دفاع از مال، فقیهان اسلامی معتقدند که صاحب مال بعد از دزدی مالش نیز می‌تواند برای گرفتن مال خود، دزد را دنبال کند و با او درگیر شود اما درباره‌ی خطر مستقبل، این عمل مشروع و جایز نیست.
 - ج- خطر عادتاً امکان وقوع داشته باشد: بنابراین خطر و تهدیدی که از وراء حائل مانند رودخانه یا دیوار یا موانعی که عادتاً تسلط مهاجم را ناممکن می‌سازد، انجام می‌شود مدافع باید از فعل دفاعی خودداری کند. (کشف اللثام، ج ۲، کتاب حدود، فصل «فی‌الدفاع»)
 - د- خطر حقیقی باشد: یعنی مهاجم در تحقق قصدش جدی باشد و تعدی از روی هزل و شوخی نباشد. صاحب جواهر می‌نویسد: بر مهاجم جایز نیست که مهاجم را دفع کند تا هنگامی که قصد او برایش محقق نشده است. (نجفی، کتاب حدود، ۴۱/۶۴۲)

۲- وجوب دفاع

از نظر فقیهان، دفاع از مال هنگامی واجب می‌شود که شرایط زیر در آن محقق شود:

الف- هنگامی، نسبت به مال اضطرار داشته باشد. (به‌گونه‌ای باشد که حفظ جان شخص، منوط به حفظ مال باشد)

ب- هنگامی که مال متعلق به حق غیر باشد (مثلاً مال امانت در دست او باشد)

ج- نبود مال موجب تحقق ضرری عظیم و جبران ناپذیر شود. (خواه ضرر از حیث مالی باشد و یا جانی و یا حیثیت شخص به آن مال بستگی داشته باشد)

د- بعضی از فقیهان عامه... (شریبی، معنی المحتاج، ۴/۱۹۵) در صورتی که مال دارای روح باشد؛ مانند: حیوان و ... حکم به وجوب دفاع از مال کرده‌اند و عده‌ای دیگر همانند غزالی (احیاء علوم الدین، ۲/۲۲۳) مطلقاً دفاع از مال را واجب دانسته و شرطی را در وجوب آن ذکر نکرده‌اند.

نکته‌ی مهم این‌که، دفاع از مال همانند دفاع از نفس و ناموس، تا زمانی مشروع خواهد بود که مدافع در حال دفاع بوده و خطر و اعتداء نامشروع رفع نشده باشد، پس هنگامی که مهاجم از هجوم خود به مال دست بردارد و یا این‌که مدافع، مال را از مهاجم بگیرد، اقدام به ایراد ضرب و جرح و یا قتل و یا ضررهای مالی بر مهاجم مشروع نبوده و موجب ضمان خواهد بود، چرا که ضرب و جرح و دیگر ضررها زمانی جایز است که برای دفع مهاجم باشد.

احکام دفاع از مال در بین فقیهان

۱- احکام مربوط به جواز دفاع

دین مبین اسلام برای حقوق و اموال مردم، همانند دماء آن‌ها اهمیت خاصی قائل شده و برای جلوگیری از تجاوز به اموال دیگران، به ویژه اموال مسلمانان، راههایی همچون حدود و تعزیرات و دیگر مقررات حقوقی و جزایی وضع کرده است و در مواقعی که شخص قدرت یا امکان دسترسی به قوای دولتی و یا راههای قانونی دیگری را نداشته باشد به او اجازه داده است تا در حدود مقرر و مشروع از حقوق و اموال خود دفاع کند و

متجاوز را از خود براند و دلیل‌های فراوانی درباره‌ی جواز دفع مهاجم و دزد به مال علمای عامه و امامیه نقل کرده‌اند.^۱

ابا مریم از امام صادق(ع) نقل می‌کند که حضرت فرمود: آیا می‌دانی مادون مظلمه چیست؟^۲

و اخبار دیگری همانند معتبره غیاث ابن ابراهیم (طوسی، تهذیب، ۶/۱۵۷)، صحیح‌حلبی (کافی، ۵/۵۱، رقم ۲)، مرسله برقی (حرعاملی، وسایل، باب ۴ از ابواب جهاد عدو حدیث ۲۲ از کتاب جهاد) و دیگر اخباری که ظهور در جواز دفاع داشته، هرچند مدافع از قتل نفس خود نترسد. ولی فقیهان اسلامی معتقدند که اطلاعات این‌گونه از اخبار، به‌وسیله‌ی اخبار دیگری^۳ تقیید و تخصیص خورده است به گونه‌ای که مدافع، از هلاک نفس خود نترسد. فقهای اسلامی در صورت قدرت مدافع، بردفاع و نترسیدن مدافع از نفس خود، برجایز بودن دفاع از مال، اتفاق نظر دارند.

دلیل‌های فقیهان در جواز دفاع از مال

شیخ‌الطایفه می‌نویسد: «اگر شخصی، به قصد جان، مال و حریم دیگری به او حمله کند برمعتدی علیه جایز است که آن شخص را به آسان‌ترین راه ممکن دفع کند، و اگر در موضعی باشد که به فریادرسی دسترسی ندارد، پس مهاجم را با دست دفع کند و اگر دفع نشد با عصا دفع کند و اگر دفع نشد پس با سلاح دفع کند و اگر دفع مهاجم منجر به قتل او شود خونس هدر است.» (مبسوط، ۶/۷۵) استدلالی که شیخ طوسی در جواز دفع مهاجم به مال کرده‌اند روایتی از پیامبر(ص) است.^۴

۱- سعید بن زید از رسول خدا(ص) نقل می‌کند: «من قتل دون دینه‌فهو شهید و من قتل دون ماله فهو شهید و من قتل دون اهله فهو شهید». (شوکانی، منتفی‌الاخبار، ۶/۷۴)

۲- قال الصادق(ع)، فی خبر عبدالله بن سنان؛ «من قتل دون مظلمة فهو شهید»

۳- مانند: «خبر ابوالعلاء از امام صادق(ع) در مورد کسی که برای دفاع از مالش پیکار می‌کرد حضرت فرمود: رسول خدا فرمودند: کسی که برای دفاع از مالش کشته شود شهید است، گفتم آیا بهتر است پیکار کند یا این‌که از مالش چشم‌پوشد؟ حضرت فرمودند: اگر من باشم نمی‌جنگم و مال را رها می‌کنم.» (طوسی، تهذیب، ۱۵۷ و ۶/۱۶۷)

۴- «من قتل دون ماله فهو شهید.»

شیخ طوسی می‌فرمایند: «مهاجم، خواه مرد باشد یا زن، کوچک باشد یا بزرگ، عاقل باشد یا دیوانه فرقی نمی‌کند در این که دفع او جایز می‌باشد و خونش هدر است و همگی در این امر یکسان هستند.» صاحب جواهر در این زمینه می‌نویسد:

«بین فقها اختلافی نیست در این که انسان می‌تواند به اندازه‌ی توانایی خود، محارب، و سارق و به‌جز آن را از حریم و مال خود دور کند و از خود براند و چنانچه مدافع برای دفاع از مالش کشته شود پاداش و اجر شهید دارد و این به خاطر روایت‌هایی است که در این باره وجود دارد، مانند خبر عبدالله بن سنان.» (جواهرالکلام، کتاب حدود، ۱/۶۵۰)

نکته‌ی مهم این که، فقهای امامیه جواز دفاع از مال را مشروط کرده‌اند به ظن مدافع بر سلامت نفس خود، بنابراین در صورتی که مدافع علم یا ظن بر هلاک نفس خود داشته باشد. دفاع را جایز ندانسته بلکه حکم به حرمت آن کرده‌اند (همان‌جا). همانند صحیح ابوالعلاء از امام صادق (ع) که حضرت در مورد کسی که برای دفاع از مالش پیکار می‌کند، فرمود: «رسول خدا (ص) فرمود: کسی که برای دفاع از مالش کشته شود شهید است»

حضرت فرمود: «اگر من باشم نمی‌جنگم و مال را رها می‌کنم.» (طوسی، تهذیب، ۶/۱۵۷)

بسیاری از فقیهان نیز دفاع از مال را جایز می‌دانند و مدافع را مخیر بین دفاع و یا ترک دفاع کرده‌اند، بدون این که او را در ترک آن مستوجب عقوبت بدانند.

ابن قدامه از فقیهای حنبلی می‌نویسد: «دفاع از مال بنا بر قول صحیح، جایز است اگرچه منجر به قتل مهاجم شود» به دلیل خبری از پیامبر (ص) که فرمود: «اگر کسی برای دفاع از مالش کشته شود شهید است.» (المغنی، ۱۰/۱۳۶)

ابن عابدین از فقیهان حنفی در این زمینه می‌آورد: «برمدافع جایز است که برای دفاع از مالش با مهاجم قتال کند»^۱ (رد المختار، ۵/۴۸۲) شریینی نیز از فقیهان شافعی می‌نویسد: «دفاع از مال در صورتی که صاحب روح نباشد جایز است»، اگرچه دفاع، منجر به قتل مهاجم شود.»^۲ (مغنی المحتاج، ۵/۱۹۵)

۱- وی در استدلال حکم به جواز دفاع از مال، استناد به روایتی از پیامبر (ص) می‌کند که فرمود: «قاتل دون مالک»

۲- به دلیل خبر «من قتل دمه أو ماله أو اهله فهو شهید»

۲- وجوب دفاع از مال به نحو عام

یکی از مواردی که فقهای اسلامی به‌ویژه فقهای عامه، حکم به وجوب دفاع از مال داده‌اند، هنگامی است که مدافع نسبت به مال مضطر بوده و حفظ جان او منوط به وجود آن مال باشد.

ظاهر کلام فقهای اسلامی در تحقق اضطرار به مال این است که حفظ جان شخصی، منوط و متوقف بر آن مال باشد، ولی به گمان می‌رسد که اضطرار به مال تنها اختصاص به جان خود شخص مدافع نداشته، بلکه اگر جان افراد تحت تکفل او یا حتی جان مسلمانی وابسته به آن باشد، دفاع از مال واجب می‌شود و یا هنگامی که حفظ عرض متوقف بر حفظ آن مال باشد، شخص به جهت حفظ عرض و ناموس خود بر آن مال مضطر می‌شود.

فرض کنیم در سال قحطی و یا به سبب وقوع حوادث طبیعی همانند زلزله، سیل و دیگر عوامل، عده‌ای که با مرگ دست و پنجه نرم می‌کنند، اگر شخصی که به مقدار قوت لایموت مواد غذایی در اختیار دارد تا با آن جان خود یا افراد خانواده‌ی خود را حفظ کند و یا این‌که برای فرار از صحنه‌ی خطر ناشی از جنگ و درگیری و حفظ جان خود یا خانواده خود به وسیله‌ی نقلیه خود نیاز شدید دارد، حال اگر شخصی به قصد سرقت مال به او حمله کند در این گونه موارد از آن‌جا که حفظ مالی برای حفظ جان لازم و ضروری است، بنابراین فقهای اسلامی حکم به وجوب دفاع از مال داده‌اند. بعضی از فقهای امامیه، وجوب دفاع از مال را در صورت اضطرار به آن، مشروط به ظن سلامت مدافع کرده‌اند.

شهید ثانی در مسالک می‌نویسد: «در صورتی که نسبت به مال مضطر باشد و ظن غالب بر سلامت نفس خود دهد دفاع از مال براو واجب می‌شود و به جز دفاع واجب نیست.» (کتاب حدود)

صاحب جواهر بر این قول شهید اشکال می‌گیرد و می‌نویسد: «در صورتی که برای حفظ جان خود به مال اضطرار داشته باشد براو واجب می‌شود هر چند ظن به سلامت نفس خویش نداشته باشد، چرا که در این مورد، دفاع از مال در واقع دفاع از نفس می‌باشد و دفاع از نفس مطلقاً واجب است.» (نجفی، کتاب حدود، ۴۱/۶۵۱)

اما موارد دیگری هم برای وجوب دفاع از مال وارد شده است که عبارتند از:

الف- وجوب دفاع از مال در صورت تحقق ضرر عظیم با از دست دادن مال

مورد دیگری را که فقیهان اسلامی، حکم به وجوب دفاع از مال کرده‌اند، در جایی می‌باشد که از دست دادن مال ضرر جبران ناپذیری را در پی داشته‌باشد به گونه‌ای که عقل حکم به وجوب دفاع، جهت دفع ضرر کرده و حفظ آن را لازم و ضروری بشمارد. مانند تاجری که همراه با مقدار زیادی پول قصد سفر به کشور و یا مکانی دیگر را دارد تا در آنجا قرارداد بزرگ تجاری با شرکتی منعقد کند و فرض کنیم به جهت اهمیت معامله، تمامی سرمایه‌ی خود را نیز به همراه آورده است، حال اگر در بین راه عده‌ای به او حمله کنند و قصد ربودن مالش را داشته باشند، در این هنگام به جهت این‌که از دست دادن مال، ضرر مالی بزرگی بر او وارد کرده و شاید موجب از بین رفتن حیثیت تجاری و کاری او شود، بنابراین عقلاً دفع ضرر براو واجب بوده و در صورت قدرت دفاعی، لازم است که از اموال خویش محافظت و دزد را از خود دور کند.

فاضل هندی (کشف اللثام، ج ۲، کتاب حدود، فصل فی‌الدفاع)، صاحب ریاض (ریاض المسائل، ج ۲، کتاب حدود) و صاحب جواهر نجفی، (کتاب حدود، ص ۴۱/۶۵۲) دلایلی را که در وجوب دفاع در صورت اضطرار و تحقق ضرر عظیم، ذکر کرده‌اند عبارت است از: وجوب دفع ضرر عقلاً و وجوب نهبی از منکر، و در صورتی که فقدان مال سبب تحقق ضرر جانی یا ضرر ناموسی شود. ادله‌های وجوب حفظ نفس و عرض در این مورد شامل دفاع از مال نیز می‌شود.

ب- در صورتی که مال متعلق به غیر باشد

یکی دیگر از مواردی را که فقیهان اسلامی؛ حکم به وجوب دفاع از مال کرده‌اند، هنگامی است که مال متعلق به دیگری بوده و به صورت امانت، رهن، اجاره، ودیعه و گونه‌های دیگر در اختیار مدافع باشد. فقهای امامیه در صورتی که مال به امانت در دست مدافع باشد و یا به گونه‌ای دیگر، حق غیر بر آن تعلق گرفته باشد. حکم به وجوب دفاع از مال کرده‌اند؛ هرچند در این‌که آیا وجوب آن مشروط به حفظ سلامت مدافع است یا نه، اختلاف وجود دارد، عده‌ای همانند صاحب ریاض و صاحب جواهر، وجوب دفاع را در این‌گونه موارد مشروط به ظن سلامت مدافع دانسته‌اند و گروهی دیگر همانند فاضل هندی، چنین شرطی را در وجوب دفاع از مال قائل نشده‌اند ولی به گمان می‌رسد

که قول به عدم وجوب دفاع از مال متعلق به حق غیر در صورتی که مدافع خوف از تلف نفس خود داشته باشد، اقوی است از قول به وجوب مطلق آن، چراکه ادله‌ی وجوب حفظ نفس تعارض می‌کند با حکم عقل به وجوب رد ودیعه و امانت، به‌ویژه در این مورد که تلف مال غیر، با تعدی و تفریط مدافع صورت نگرفته است.

صاحب جواهر در این مورد می‌نویسد: در مورد دفاع از مال در مورد امانت، امکان دارد که وجوب آن را منع کنیم و آن هنگامی است که مدافع از ضرر جانی خود بترسد، چرا که در این جا تعدی و تفریط صدق نمی‌کند. (نجفی، کتاب حدود، ۴۱/۶۵۲)

«شربینی» از فقهای عامه می‌نویسد: «اگر مال از آن محجور باشد و یا به امانت در دست مدافع باشد و یا به نحوی حق غیر بر آن تعلق بگیرد به جهت رهن و یا اجاره، در این موارد دفاع از مال واجب است، در صورتی که مدافع نسبت به جاننش ایمن باشد.» (مغنی‌المحتاج، ۴/۱۹۵)

۳- حرمت دفاع از مال

گروهی از فقیهان اسلامی، جواز دفاع از مال را مشروط کرده‌اند به سلامت مدافع، بنابراین هنگامی که مدافع علم و یا ظن به هلاک نفس خود داشته باشد اقدام او به فعل دفاعی جایز نیست، بلکه حرام است.

نتیجه‌ی حکم این خواهد بود که در صورت تخلف از حکم شرعی و کشته شدن مدافع، نه تنها ثوابی بر فعل دفاعی او بار نمی‌شود، بلکه مستوجب عقاب نیز می‌باشد، ولی در این که در این گونه موارد که فقیهان، حکم به حرمت دفاع از مال کرده‌اند مدافع نسبت به ضررهای مالی و جانی وارد بر دزد و مهاجم ضامن می‌باشد یا نه، فقها در این باره سخنی نگفته‌اند، ولی گمان می‌رود که مدافع ضامن نباشد چرا که دزد و مهاجم با تعدی نا مشروع خود، حرمت خون خود را از دست داده است و در صورتی که در حدود مقرر و مشروع دفاع، ضررهای جانی و مالی بر او وارد شود، هدر بوده و مدافع ضامن نیست، و حکم به حرمت دفاع از مال در این مورد، به جهت حفظ نفس و حرمت القاء بر تهلکه خطر می‌باشد نه این که دفاع از مال فی‌نفسه حرام باشد، بنابراین در صورتی که مدافع قبل از اقدام دفاعی علم و یا ظن به هلاک نفس داشته باشد ولی در

حین دفاع موفق شود که بدون تحمل ضرر جانی و مالی، دزد و مهاجم را از خود دور کند و یا او را برحسب شرایط و ترتیب مقرر در دفاع مجروح و یا مقتول سازد. هرچند ابتدا دفاع از مال بر او حرام بود و با اقدام به آن متجری محسوب می‌شد ولی چون با حفظ جان و مال خویش توانسته است مهاجم را دفع و مال خود را حفظ کند، حکم به ضمان او مشکل به نظر می‌رسد.

صاحب جواهر می‌نویسد: «اگر مدافع در صورت اقدام به فعل دفاعی، علم به قتل خود داشته باشد، در این صورت حکم به حرمت دفاع از مال وجیه است به دلیل اجماع عده‌ای از فقها، ظن را نیز در این مورد ملحق به علم کرده‌اند؛ یعنی در صورتی که مدافع، ظن به تلف نفس خود داشته باشد دفاع از مال بر او حرام می‌باشد.» (نجفی، کتاب حدود، ۴۱/۶۶۲)

«شربینی» (مغنی المحتاج، ۴/۱۹۴) از فقیهان شافعی و عده‌ای دیگر از فقیهان عامه معتقدند هنگامی که مهاجم به مال برای حفظ جان خود مجبور به اتلاف و یا تلف مال دیگری شود، دفع مهاجم به مال، جایز نیست بلکه باید جان او به وسیله‌ی آن مال حفظ شود.

کلام این عده از فقیهان، زمانی قابل توجیه است که شخصی بدون قصد دزدی و یا قصد جنایی دیگر، به‌ناچار برای حفظ جان خود مجبور به تلف یا اتلاف مال دیگری شود. مثلاً راننده‌ای برای جلوگیری از سقوط در دره و نجات جان خویش، دیوار و درخت متعلق به دیگری را به‌ناچار از بین می‌برد. ولی در مواردی که قصد جنایی در تلف مال غیر در کار باشد این سخن قابل قبول نخواهد بود، چراکه نصوص مربوط به جواز دفع مهاجم به مال اطلاق داشته و تقییدی در این‌باره نرسیده است.

دیگر این‌که اضطرار به مال دیگری و سرقت آن هرچند موجب سقوط حد و تعزیر می‌شود ولی مانع از اجرای وظیفه و حق حمایت اشخاص از حقوق و اموال خود نمی‌باشد و دیگر این‌که برفرض قبول، این حرف در جایی قابل توجیه می‌باشد که خود مالک نسبت به مالش اضطرار نداشته باشد که در این صورت کسی حق ندارد برای دفع ضرر از خود به دیگری ضرر برساند. (همان، ص ۴/۱۹۶)

دفاع از مال در مقابل دزد و محارب

۱- دفاع سارق قبل از ربوده شدن مال

در شرایط مربوط به جواز دفاع از مال، زمانی مدافع حق توسل به فعل دفاعی را دارد که حسب قرائن معقول و عرفی، علم و یا ظن پیدا کند بر این که شخص قصد دزدی اموال او را دارد، اما اگر بعدها معلوم شود که در این مورد اشتباه کرده و آن شخص نسبت به مال او قصد سویی نداشته است مدافع نسبت به خسارت جانی و مالی وارده ضامن و مسؤول خواهد بود.

البته موضوع در مورد دزد و محاربی که وارد منزل کسی شده است فرق می‌کند چراکه دزد در این صورت علاوه بر تعرض به مال دیگری، مسکن او را نیز هتک کرده است، پس شخصی می‌تواند به‌عنوان مدافع از حریم خویش، مهاجم را دفع کند، هرچند دفاع منجر به قتل او شود، چرا که دزد با ورود بدون اجازه به منزل و ملک دیگری، عملاً تجاوز نامشروع کرده است.

بنابراین دزد در این مورد در جواز دفع و قتل در حکم محارب بوده است و حق مشروعی را برای مدافع ایجاد می‌کند تا از حریم خود در حدود مشروع دفاع، هرچند دزد عملاً مرتکب جرمی نشده باشد، به‌ویژه اگر ورود به منزل دیگری در شب و به‌صورت مسلحانه صورت گیرد.

صاحب ریاض در این زمینه می‌نویسد: اگر کسی وارد منزل دیگری شود و صاحب منزل از ورود او جلوگیری کند ولی متجاوز بیرون نرود و دفاع منجر به مرگ و یا قطع عضو متجاوز شود، در صورتی که مدافع شرایط مشروع دفاع را رعایت کرده باشد، ضامن محسوب نمی‌شود به دلیل روایتی که معصوم(ع) فرمود: «اگر شخص محاربی وارد منزل مؤمنی شود، ریختن خونس بر مؤمنان در چنین حالی مباح است و من آن را به عهده می‌گیرم».^۱ (طباطبایی، ج ۲، کتاب حدود، فصل فی‌الدفاع)

جواز دفاع و قتل دزد و محارب، منوط بر رعایت شرایط مشروعیت دفاع و رعایت مراتب تدرج در فعل دفاعی است، پس در صورتی که خطر رفع شود و یا به دلیلی دزد یا

۱- «من دخل علی مؤمن داره محارباً، دمه مباح فی تلک الحال للمؤمنین و هوفی عنقی»

محارب قدرت تحقق جرم را نداشته باشند ضرب یا جرح آن‌ها جایز نبوده و علاوه براین که موجب ضمان خواهد بود، حق دفاع را برای آن‌ها نیز ایجاد خواهد کرد.

۲- دفع دزد بعد از ربوده شدن مال

اگر مالی توسط دزدی ربوده شود، آیا صاحب مال حق دارد که به‌عنوان دفاع مشروع از مال خود، در صورت مواجهه با دزد، مال خود را از او بگیرد، هرچند گرفتن مال همراه با درگیری و خونریزی باشد؟ فقیهان اسلامی (معنی المحتاج، ۶/۱۹۹) معتقدند که، در صورتی که دزد، اموال شخصی را به بدزد و صاحب مال برای گرفتن مال، دزد را تعقیب کند، مجاز خواهد بود که برای دفاع از مال خود در صورت توقف دفاع بر قتل دزد او را به قتل برساند، پس همان‌گونه که قبل از اقدام به دزدی، مالک حق دارد و مجاز است که از مال خود دفاع و دزد را دفع کند، پس از دزدی هم مجاز خواهد بود که آن را از چنگ دزد به در آورد.

ولی ظاهر کلام این عده از فقیهان، همچون، شربینی (همان‌جا) جواز دفع دزد هنگام تحقق فعل و یا کمی بعد از آن است، حال اگر مالی توسط دزد ربوده شود و در زمان دزدی مالک حضور نداشته و یا این‌که قادر بر دفع دزد نبوده است ولی پس از گذشت مدت زمانی، دزد را همراه با مال خویش در مکانی دیگر پیدا کرد و فرض هم براین باشد که امکان دسترسی به قوای دولتی نداشته باشد آیا در این صورت نیز شخص حق خواهد داشت که برای گرفتن مال خود با دزد درگیر شود و مال خود را از او بگیرد، هرچند دفاع منجر به قتل دزد شود؟

گمان می‌رود که اطلاعات ادله‌ی مشروعیت دفاع از مال، این مورد را شامل نمی‌شود چرا که بحث دفاع مشروع از دیدگاه قانون شرعی و عرفی در جایی مطرح می‌شود که مهاجم در حین ارتکاب جرم و یا این‌که جرم در شرف وقوع باشد و شخص به‌عنوان یک ضرورت به فعل دفاعی توسل جوید و در این مورد صدق دفاع نمی‌کند، بلکه اخذ و طلب مال است.

دفاع از مال در مقابل مستلب و محتال

مستلب به کسی گویند که مال را به صورت ظاهر و آشکار برآید و فرار کند، مانند کیف‌قاپ‌ها و کسانی که سوار بر موتور می‌شوند و پول و دیگر اموال مردم را می‌دزدند و از صحنه می‌گریزند. (ریاض المسائل، ج ۲، کتاب حدود حدالسرقه)

هم‌چنین محتال به کسی گویند که با تزویر و حيله و از طریق نامه و شهادت‌های کاذب، اموال دیگری را بگیرد، مانند افرادی که به دروغ به عنوان مأمور دولت و یا دستگاه قضایی به بهانه‌هایی از افراد پول و یا دیگر اموالشان را می‌گیرند. (شهید ثانی، شرح لمعه، کتاب حدود، ۹/۳۰۴)

در فقه اسلامی، در مورد این افراد و هم‌چنین افراد دیگری که با به‌کار بردن مواد بی‌هوش‌کننده و یا خوراندن مواد مخدر به مجنی‌علیه اقدام به ربودن پول و اموال او می‌کند حد سارق را در مورد آنها جاری نمی‌دانند، هرچند مال ربوده شده، از حد نصاب نیز خارج شود. (همان، ۹/۳۰۵)

بنابراین با توجه به این اطلاعات می‌توان قائل به جواز دفع مستلب و محتال و دیگر افرادی شد که به‌گونه‌ای نامشروع، اموال مشروع افراد را مورد تعرض قرار می‌دهند، پس هنگامی که موتور سوار برای ربودن مالی به طرف دیگری هجوم آورد و آن شخص برای حفظ مال خود مجبور شود که او را از روی موتور، بیاندازد و ساقط کند و یا موجب تصادف و در نتیجه، قتل او شود، مدافع ضامن نیست و خون کیف‌قاپ هدر می‌رود.

دفاع از مال در مقابل متصرف عدوانی

عدوان به معنای تجاوز بوده و عدم رضای مالک یا عدم اذن قانونی موجب تحقق عدوان می‌شود در مقابل آن ید امانی قرار دارد یعنی تصرف در مال غیر به‌منظور نگهداری آن با اجازه‌ی مالک یا نماینده‌ی او. (جعفری لنگرودی، دانشنامه حقوقی، ۳/۷۹۸)

با آن‌که فقیهان اسلامی، بحث دفاع مشروع از مال را در کنار بحث‌های دزد و محارب و حیوان مهاجم مطرح کرده‌اند ولی به گمان نمی‌آید که دفاع از مال اختصاص به آن‌ها داشته و به جز این موارد جایز نباشد، پس در صورتی که شخص به ناحق و

بدون اجازه‌ی مالک، زمین، خانه و یا وسیله‌ی نقلیه و دیگر اموال او را غصب کرده و عدواناً متصرف شود، در این موارد نیز می‌توان قائل به دفاع مشروع شد. فرض کنیم در عین مستأجره و رهن و یا ودیعه، مستأجر و مرهون از تخلیه آن بعد از پایان مدت اجاره و رهن سر باز زند و یا مال امانت را به صاحبش پس ندهد و فرض براین باشد که شخص برای احقاق حق خود دسترسی به مراجع و قوای دولتی و قانونی نداشته و یا وجود آن‌ها مؤثر نباشد، در این موارد صاحب مال می‌تواند در حدود مقرر و مشروع و با رعایت تدرج و تناسب در فعل دفاعی از حق و مال خود دفاع کند. دلیل ما در قول به جواز دفاع در این موارد، اطلاقات نصوص مربوط به دفاع مشروع از مال می‌باشد و دیگر این‌که خود فقهای اسلامی در عین مستأجر و مرهونه به دلیل تعلق حق مالک برآن، قائل به وجوب دفاع از مال شدند اما در صورتی‌که مستأجر نسبت به خانه و یا مغازه و یا عین مرهونه و دیگر اموال متعلق به حق غیر، اضطرار پیدا کند و یا با خارج شدن از آن و انتقال آن به مالک، دچار اضطرار و ضرر عظیمی شود، در این موارد حکم به جواز دفاع از مال کردن، جای اشکال می‌باشد مگر این‌که خود مالک نیز نسبت به آن مال اضطرار داشته باشد.

نتیجه

در حقوق جزای اسلامی، احکام مربوط به دفاع مشروع از مال بر مبنای جواز، وجوب و حرمت می‌باشد، فقیهان، دفاع از مال را جایز می‌دانند، مگر در حالاتی استثنایی که حفظ نفس منوط بر حفظ آن مال باشد که در این شرایط دفاع از مال را واجب می‌دانند و البته این واجب بودن، به دلیل اهمیت حفظ نفس است و نه خود مال. براساس اطلاقی که در کلمه‌ی مال وجود دارد، نتیجه می‌گیریم دفاع از هر مالی مشروع است و اختصاصی به اموال منقول ندارد، بلکه در صورتی‌که اموال غیرمنقول شخص، مورد تعرض نامشروع واقع شود و شخص برای احقاق حق خود، امکان دسترسی به قوای دولتی نداشته و یا وجود آن‌ها مؤثر واقع نشود می‌توان قائل به جواز دفاع شد. بنابر آن‌چه از قول فقیهان گفته شد، دفاع از مال، خودبه‌خود جایز است و آن‌چه باعث واجب بودن یا حرام بودن دفاع از آن می‌شود، حالتی است که بر مدافع و مال عارض می‌شود همانند عوارضی هم‌چون اضطرار مالک به مال یا تحقق ضرر عظیم که

باعث وجوب دفاع از مال می‌شوند و دیگر این‌که مشروعیت دفاع، ناشی از فعل نامشروعی است که مال کسی را تهدید می‌کند، پس با تحقق خطر نامشروع نسبت به مال، هر شخصی حق دارد و یا به عبارتی وظیفه دارد که از مالش دفاع کند و مهاجم را از خود دور کند، خواه مهاجم زن باشد یا مرد، بزرگ باشد یا کوچک عاقل باشد یا دیوانه و قانون مجازات اسلامی، دفاع از مال را در ردیف دفاع از جان و عرض و ناموس قرار داده و تفاوتی میان این‌ها قائل نشده است.

فهرست منابع و مآخذ:

* قرآن کریم

۱. ابن عابدین (متوفی ۱۲۵۲ هـ)، ردالمختار علی الدر المختار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.
۲. العطار، داود، الدفاع الشرعی فی الشریعه الاسلامی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.
۳. انصاری، شیخ اعظم، مکاسب، قم، انتشارات علامه، چاپ دوم، بی تا.
۴. امامی، میر سیدحسن، (۱۳۸۵)، حقوق مدنی، تهران انتشارات اسلامی، چاپ بیست و ششم.
۵. بروجردی (عبد)، محمد، (۱۳۸۰)، حقوق مدنی، تهران کتابخانه گنج دانش.
۶. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۶۸)، حقوق اموال، تهران، چاپخانه احمدی.
۷. _____، _____، (۱۳۵۲)، دانشنامه حقوقی، تهران انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم.
۸. حرعاملی، شیخ محمد بن الحسن، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشیعه، دارالحدیث التراث العربی، بیروت، بی تا.
۹. حسینی، سیدمحمد (۱۳۸۲)، فرهنگ لغات و اصطلاحات فقهی، تهران، انتشارات سروش، چاپ دوم.
۱۰. خمینی امام، سیدروح الله، (۱۴۰۹)، تحریر الوسیله، دارالکتب العلمیه، قم، اسماعیلیان.
۱۱. شوکانی، محمد بن علی بن محمد، شرح منتفی الاخبار، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.
۱۲. شهید ثانی، علی بن محمد بن حسن بن زین العابدین، مسالک الافهام فی شرح شرایع الاسلام، چاپ سنگی، تهران.
۱۳. _____، زین الدین (جبعی عاملی) (۱۴۱۰ هـ)، الروضه البهیة فی شرح لمعه الدمشقیة، انتشارات داوری قم، چاپ اول، دوره ۱۰ جلدی.

۱۴. شربینی، شیخ محمد، **معنی المحتاج الی معانی الفاظ المنهاج**، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.
۱۵. طباطبائی یزدی، سیدمحمد کاظم، **حاشیه بر مکاسب**، انتشارات مطبوعاتی اسماعیلیان، قم، بی تا.
۱۶. طباطبائی، میرسید علی، **ریاض المسائل فی بیان احکام الشرائع بالدلائل**، چاپ سنگی، تهران.
۱۷. طوسی (شیخ الطایفه)، **ابی جعفر محمدبن حسن، تهذیب الاحکام**، چاپ نجف اشرف، بی تا.
۱۸. _____ ، _____ ، (۱۳۷۸) ، **المبسوط فی فقه الامامیه**، تهران
مکتبه المرتضویه لإحیاء آثار الجعفریه، چاپ دهم.
۱۹. غزالی، امام محمد، **احیاء علوم الدین**، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.
۲۰. فاضل هندی (اصفهانی)، محمدبن حسن، **کشف اللثام فی شرح قواعد الاحکام**، چاپ سنگی، تهران،
بی تا.
۲۱. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۶)، **حقوق اموال و مالکیت**، چاپ اول، نشر دادگستر.
۲۲. کلینی، ثقة الاسلام (۱۳۶۷)، **الکافی**، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، تهران.
۲۳. نجفی، حسن بن باقر (۱۴۰۴)، **جواهر الکلام**، دارالکتب الاسلامیه، تهران.
۲۴. واعظی، خلیل (۱۳۷۹) ، **دفاع مشروع در حقوق جزای ایران**، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه‌ی
علمیه قم، مرکز انتشارات.

